

عوامل مؤثر بر ایجاد شکاف‌های اجتماعی در میان اقشار ایتار و غیر ایتارگر پس از دوران دفاع مقدس

معصومه گودرزی^۱

محمد افقری^۲

چکیده

بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد فاصله و شکاف‌های اجتماعی، فکری و برداشت‌های نادرست اقشار غیر ایتارگر از ایتارگران معظم و خانواده‌های آنها و عدم توفیق در زمینه‌ی به تصویر کشیدن عظمت ایتار و از خودگذشتگی ایشان هدفی بود که در این مقاله به آن پرداخته شده است. سعی محقق بر آن بود به دلیل آنکه تاکنون به نحو شایسته‌ای این موضوع بررسی نشده، تمرکز بر شهید، شاهد و ایتارگر را به دور از قالب‌ها و کلیشه‌های رایج نقد کند. نویسندگان، پژوهش‌گران و فیلم‌سازان ارزشمند کشور درباره‌ی این موضوع فیلم‌ها ساخته و کتاب‌ها نوشته‌اند، اما همچنان زوایای پنهانی در زمینه‌ی ایتارگری‌های دوران دفاع مقدس و سال‌های پس از آن وجود دارد که مغفول مانده یا انگیزه و جسارت کافی برای به تصویر کشیدن آنها وجود نداشته است. بر همین اساس، فرضیات پژوهش تدوین شد و محقق برای جمع‌آوری اطلاعات، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده کرد. نمونه‌ی پژوهش، شامل تعدادی از عزیزان شاهد، جانباز و ایتارگر، خانواده‌های آنها و همچنین مسئولان بنیاد شهید و امور ایتارگران بود. بدین منظور مجموعه‌ای از نظریات، خاطرات، رنج‌ها و گنج‌های نهفته‌ی آنها که زمینه‌ای برای توسعه‌ی تاریخ شفاهی است، از طریق مصاحبه‌ی نیمه سازمان‌یافته جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل نیز با روش توصیفی - تحلیلی انجام شد. نتایج نشان داد عوامل متفاوتی بر ایجاد شکاف‌ها و فاصله‌های اجتماعی میان ایتارگران و غیر ایتارگران مؤثر بوده است، از جمله‌ی این عوامل می‌توان به تکیه کردن و القای بیش از حد بر بار حماسی و احساسی موضوع شهادت و ایتار، ناتوانی کانون‌های آموزشی، فرهنگی و نمایشی در معرفی حقوق معنوی ایتارگران، عدم توفیق در مستحکم‌سازی تعاملات اجتماعی میان قشر ایتارگر و غیر ایتارگر، القای تفکرات غلط در خصوص سهمیه‌ها، امتیازات آموزشی و اقتصادی، تهاجم فرهنگی و تأثیر رسانه‌ها و وسایل ارتباطی بیگانه، پدیده‌ی شکاف سنی و نسلی و در نهایت، خودداری خانواده‌های معظم شاهد و ایتارگر از ابراز کامل مصائب و از خودگذشتگی‌های خود به دلیل عزت نفس و مناعت طبع ایشان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: شهادت، ایتار، ایتارگری، دفاع مقدس، شکاف‌های اجتماعی

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات گروه تاریخ

^۲ - دانشجوی دکتری تاریخ محلی دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات گروه تاریخ

مقدمه

شهید، شهادت‌طلبی و ایثار، از جمله واژه‌های شایان احترام در همه‌ی جوامع و ادیان بوده است و قدمت زیادی حتی پیش از ظهور دین اسلام دارد. بسیاری از کشورهایی که درگیر جنگ بوده‌اند، مقام کشته‌شدگان را به دلیل فداکاری‌های آنها برای وطن‌شان ارج می‌نهند؛ بنابراین می‌توان گفت پرداختن به شهید و ارج نهادن به مقام ایثارگران، خاص یک ملت نیست. از جمله‌ی این کشورها می‌توان به ژاپن، ویتنام، کوبا، کره، چین، کشور عزیزمان، ایران و شمار دیگری از ملت‌ها اشاره کرد. از این واژه‌ها که تداعی‌کننده‌ی صفات حسنه، پسندیده و مورد احترام انسان‌ها، از قبیل فداکاری، شجاعت، شهامت، آزادگی و عزت است، در طول تاریخ و بر اساس کتاب‌ها، داستان‌ها، نقل قول‌ها و سایر منابع تقدیر شده است. این واژه‌ها، کلمات مقدسی هستند، ولی به نظر می‌رسد همواره و صرفاً از زوایای مذهبی و اعتقادی به آنها توجه شده است و حتی بعضی از افراد از درک اهمیت آنها عاجز مانده‌اند. در واقع، گرمی‌ترین سرمایه‌ی آدمی و گوهری که به امانت به انسان سپرده شده جان اوست. بنابراین، تمام تلاش و کوشش انسان در زندگی همواره این بوده است که جان شیرین خود را از گزند حوادث گوناگون مصون نگه دارد و چند صباحی بیشتر در این جهان رحل اقامت افکند و زندگی طولانی‌تری سپری کند. در صورت پذیرش این باور که امید به زندگی دنیوی، فقط به واسطه‌ی حیات مادی انسان تحقق می‌یابد، تفاوتی میان نباتات، حیوانات و انسان‌ها وجود نخواهد داشت. در همه ادوار تاریخی، انسان‌های بسیاری بوده‌اند که از این گران‌قدرترین هدیه‌ی الهی صرف نظر کرده و گوهر ارزشمند جان خود را در نهایت آگاهی و اخلاص و در مسیر تکامل انسانی و ارتقای ارزش‌های معنوی با خالق خویش معامله کرده‌اند. پای‌بندی به همین باورها موجب شده است که خداوند افتخار معامله‌ی خود با آنها را به ایشان هدیه کند و به آنها اینچنین بشارت رستگاری دهد:

«إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

«خداوند جان‌ها و مال‌های مؤمنان را در برابر نعمت بهشت خریداری فرمود، آنها در راه خداوند کارزار می‌کنند، می‌کشند یا کشته می‌شوند. این وعده‌های بهشت که ذکر آن در تورات و انجیل و قرآن آمده کاملاً حق بوده و حقیقت دارد و تحقق آن بر عهده‌ی خداوند است و چه عهد و قولی استوارتر از عهد خداوند؟ پس بشارت باد بر شما ای مؤمنان به معامله‌ای که با خداوند کرده‌اید و این است آن توفیق بزرگ» (توبه/ ۱۱۱).

بیان مسئله

پدیده‌ی ایثار و شهادت منبعت از ارزش‌های والای انسانی و معنوی است، ولی غفلتاً بسیاری از جوامع یا بعضی از اقشار آنها، درک صحیح و رویکرد مناسبی به این پدیده نداشته‌اند. در واقع، در بسیاری از موقعیت‌ها، بازتاب این رویکرد و قضاوت‌های عجولانه به تنزل برداشت و ادراک عامه‌ی مردم و حتی برخی از روشن‌فکران منجر شده است. این تنزل برداشت و عدم درک صحیح، شکاف‌ها و فواصلی فراهم آورده که در برخی جهات و زمینه‌ها

آنچنان سطحی هم نبوده و نیازمند توجه و آسیب‌شناسی جدی است. شکاف و گسستی که بین خانواده‌های شهدا و ایثارگران و دیگر اقشار جامعه ایجاد شده برخلاف تصور بسیاری از ما، متأثر از عواملی دور از ذهن نیست، بلکه بسیاری از آنها کاملاً عینی و ملموس است. بر همین اساس، این شکاف‌ها باید به شکل علمی، تجربی، منطقی و از لحاظ کمی و کیفی سنجیده، شناسایی و علل احتمالی آنها بازبینی و علاج شود. یکی از روش‌های این آسیب‌شناسی، طرح بحث به طور علمی و جدی، نظرسنجی، گردآوری اطلاعات و مصاحبه‌ی شفاهی با مسئولان، اقشار ایثارگر و افراد غیر ایثارگر می‌باشد و این مقاله در پی بررسی همین موضوع است.

اصطلاح آسیب‌شناسی فراتر از نقد و انتقاد است. به عبارت دیگر، این واژه مساوی با نقد و انتقاد نیست و اهتمام به این موضوع، گویی نوعی قصد و علم با اراده و آگاهی برای شناخت عوامل مخرب یا فرساینده در پدیده‌ای است که سلامت آن پدیده را تهدید می‌کند. در واقع، آسیب‌شناسی، یک حرفه، یک تخصص و مقدمه‌ای برای عمل است و اگر به تنهایی مورد توجه قرار گیرد نه تنها مفید نیست، بلکه می‌تواند مضر هم باشد (کمری، ۱۳۸۶: ۱۰۶). در صورتی که به دنبال انجام آسیب‌شناسی، درمان، درک بهینه و ترمیم انجام نگیرد، کل این فرایند بی‌نتیجه مانده و ارزش‌های مستتر در پدیده‌ی مورد نظر از نگاه‌ها پنهان خواهد ماند. به همین دلیل، درک و نگرش صحیح از آسیب‌شناسی و ترمیم شکاف‌های موجود در میان اقشار ایثارگر و غیرایثارگر، مستلزم جست‌وجو در واقعیت‌های اجتماعی است. این واقعیت‌ها که ساخته و پرداخته‌ی اذهان هستند، موجب می‌شوند فرایندی شکل گیرد که ناخودآگاه نوعی نگاه همراه با افراط و تفریط نسبت به آنها به وجود آید. بنابراین، تبیین علل این فواصل و شکاف‌ها و تلاش در مسیر حذف این گسست‌ها از ضرورت‌هایی است که موجب توجه و درک صحیح به اهمیت از خودگذشتگی‌ها و اعتلای فرهنگ ایثار و شهادت در میان آحاد ملتی، چون ایران اسلامی می‌شود که داعیه‌ی برتری معنوی، علمی و مذهبی نیز دارد.

در این مقاله در حد امکان سعی شده تا عواملی که پس از گذشت دو دهه از پایان دفاع مقدس باعث ایجاد اختلاف و گسست میان اقشار ایثارگر و غیر ایثارگر شده، بررسی شود. بر همین اساس، آسیب‌شناسی گسست‌ها، درک وضعیت ایثارگران و خانواده‌ی شهدا و به رسمیت شناختن و ارج نهادن فداکاری‌های این افراد در سال‌های دفاع مقدس از اهداف اصلی این پژوهش بوده است. همچنین به عوامل احتمالی این گسست‌ها، شامل غلبه‌ی افراطی جنبه‌های احساسی و عاطفی، بزرگ‌نمایی و مانور تبلیغاتی در خصوص ارائه‌ی مزایا، تحریف و عدم اطلاع‌رسانی صحیح در زمینه‌ی تسهیلات ارائه‌شده در کشور ایران و همچنین سایر کشورها، هجوم رسانه‌های غربی و شبیخون فرهنگی، مناعت طبع و بزرگ‌منشی ایثارگران، شکاف بین نسلی و تغییر ارزش‌های اجتماعی اشاره شده و سپس هم‌زمان با بررسی موارد در زمینه‌ی شرایط موجود مادی و معنوی آنان با تعدادی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا و همچنین بعضی از مسئولان مصاحبه شفاهی شده است. سعی نگارندگان بر آن بوده است که در جهت حفظ و ارتقای این ارزش‌ها و ادای دین نسبت به این نام‌آوران در عرصه‌ی پهناور ایران اسلامی گامی هرچند کوچک برداشته شود.

غلبه‌ی افراطی جنبه‌های احساسی و عاطفی دفاع مقدس بر دیگر جنبه‌ها

یکی از احساسات انسان عشق‌ورزی است. انسان‌ها به عشق مطلق، پاک و مقدس نیاز دارند. انسان نیاز دارد که در طی تاریخ جامعه‌ی انسانی، کسی را ببیند که در حد اعلا و مطلق، فداکاری دارد، یعنی وقتی نفع دیگران به میان می‌آید، همه‌ی منافع و مصالح خود را زیر پا بگذارد و خودش را به سادگی فدا کند، فدای دیگران! نگاه می‌کند می‌بیند کسی نیست، این‌گونه اساطیر را می‌سازد «اساطیر مجموعه‌ای است از نمونه‌ی اعلا‌ی احساس و تقدس، نمونه‌های عالی هر زیبایی، اعم از مادی یا معنوی.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۷)

در هر یک از فرهنگ‌ها و مذهب‌ها، نمونه‌ی انسان‌هایی که منبع خیر و برکت و محبت و عشق به دیگران هستند، ساخته می‌شود. اصولاً انسان برای زیستن به پرستش نمونه‌های اعلا و مطلق و پاک نیاز دارد، هرچند واقعیت هم نداشته باشد، مانند نمونه‌های خیالی و اسطوره‌های تاریخی که در حد اعلا‌ی انسانیت، تقدس و زیبایی هستند و همواره موجب اصلاح و تلطیف روح می‌شوند.

امروزه با کمک فیلم، رمان و تئاتر، اسطوره‌ها به تصویر کشیده می‌شوند. تاریخ انقلاب و دفاع مقدس ما پر از اساطیر است، آن هم اساطیر واقعی نه خیالی، انسان‌های بی‌نام و نشانی که یک‌شبه ره صدساله رفته و به قله‌های معرفت و تعالی دست یافته‌اند. تا اینجای کار مشکلی نیست، زیرا شهدا و ایثارگران به عنوان اسطوره‌های واقعی می‌توانند سبیل نسل تشنه‌ی الگو که در بحران هویت سرگردان هستند، قرار گیرند، اما اگر فرهنگ و قهرمانان ایثار و شهادت از قابلیت تبعیت و الگودهی خارج شوند (هرچند بسیار مقدس و متعالی) دیگر کاربردی برای تشنگان حقیقت ندارند. در برخی از فیلم‌هایی که برای دفاع مقدس ساخته می‌شود، این قضیه کاملاً به چشم می‌خورد که یکی دو نفر از رزمندگان با ده‌ها نفر از بعثیان درگیر می‌شوند و بدون کوچک‌ترین آسیبی همه‌ی آنها را از میان می‌برند! (همان: ۵۸)

اما قضیه فقط به ساختن این‌گونه فیلم‌ها ختم نمی‌شود، بلکه افزایش روزافزون بیان احساسی حوادث جنگ تحمیلی، آن هم از زبان کسانی که در کسوت مداحی و روایت دفاع مقدس قرار دارند و معمولاً اطلاعات صحیح و مناسبی ندارند، به منظور بهره‌برداری احساسی، به‌خصوص در جلساتی که متعلق به شهادت، برای متأثر کردن مستمعان و استفاده از احساسات مذهبی و عاطفی شنوندگان، جنگ و مبارزه را از یک واقعیت چندوجهی و با ابعاد گوناگون مدیریتی، نظامی، مهندسی، پزشکی، تاریخی، روان‌شناسی، تبلیغاتی و دیپلماسی به یک اتفاق ساده و معمولی که صرفاً تحت تأثیر کرامات و معجزات پیش می‌رفت، تبدیل می‌کنند و نقش و تلاش ایثارگران را کم‌رنگ می‌کنند. به طور یقین عنایت الهی همواره شامل حال رزمندگان اسلام بوده است و آنها قطعاً از کرامات الهی برخوردار بوده‌اند، اما افراط در بیان این دیدگاه نیز آسیب‌هایی به همراه دارد. اهمیت رعایت بهداشت روابط در بُعد فرهنگ‌سازی ایثار و شهادت در کشور حادثه‌خیزی، همچون ایران که همواره در معرض خطر و حوادث قرار دارد، لازم و حیاتی است.

نظر اصغر فروغی، جانباز هفتاد درصد را درباره‌ی غلبه‌ی افراطی جنبه‌های دفاع مقدس جويا شدیم، وی بیان داشت راویان باید واقعیت‌ها را بیان کنند و جامعه نیز باید یقین یابد که هیچ اغراقی درباره‌ی جایگاه شهدا نیست، بلکه این افراد در زمره‌ی طیبین، پاکان و برگزیدگان هستند که به مرحله‌ی جاودانگی نائل آمده‌اند.

درباره‌ی جایگاه آنان هیچ شکی نیست و متأسفانه جامعه از فواید التجا به شهدا آگاه نیست. وی در ادامه به نقل از آیت‌الله جوادی آملی فرمودند: راهی که شهدا یک شب می‌پیمایند یک روحانی با هفتاد سال عبادت نمی‌تواند طی کند (فروغی، ۱۳۹۲).

تحریف

یکی از مهم‌ترین آفات همه‌ی فرهنگ‌ها و مکتب‌ها تحریف است. تحریف از ماده‌ی حرف به معنای منحرف کردن و کج کردن چیزی از مسیر و مجرای اصلی آن است. پس از گذشت حدود دو دهه از پایان دوره‌ی دفاع مقدس شاهد آن هستیم که مرور زمان موجب پدید آمدن نوعی برداشت غلط در خصوص مقام ایثارگران، روش‌های تجلیل از این عزیزان و امکانات مادی و معنوی آنها، شده است، به طوری که به تصور بعضی از مردم، این گروه از تسهیلات و امکانات بیش از اندازه‌ای برخوردار شده‌اند. نگارندگان یکی از علل اصلی این تصور غلط را ضعف در نگرش صحیح و عدم توفیق مسئولان در خصوص اطلاع‌رسانی دقیق به جامعه در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات به خانواده‌ی شهدا و ایثارگران و جانبازان می‌دانند. این عوامل از این جهت قابل توجه‌اند که زمینه‌ساز ایجاد آسیب‌هایی بسیار جدی به فرهنگ ایثار و شهادت‌اند و بروز چنین آسیب‌هایی مولد شکاف اجتماعی بین توده‌ی مردم و ایثارگران خواهد شد و برای حفظ انسجام اجتماعی متصور در آینده‌ی کشور مضر می‌باشد. البته چنین ادراکاتی معمولاً ناخودآگاه شکل می‌گیرد و حتی ممکن است غیرعقلانی باشد. بروز این سوء تفاهم ناشی از عوامل خاصی است که بر یکدیگر اثر تشدیدکننده دارد و به شکل‌گیری مجدد آن در طی زمان در تعامل افراد با یکدیگر کمک می‌کند، به طوری که حتی بعضی از افراد تحصیل‌کرده و عامه‌ی مردم، توفیق نیافتن خود، در برخی از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی را به این عوامل نسبت می‌دهند. از اساسی‌ترین مهمات در جوامعی که درگیر جنگ بوده‌اند، این است که دولت‌ها در وهله‌ی اول این عزیزان را مورد احترام و تکریم قرار دهند، ایثار و جانبازی این افراد را به رسمیت بشناسند و در نهایت، نیازهای مادی، معنوی و اجتماعی آنها و خانواده‌های ایشان را برآورده کنند. اقبال جامعه باید با علم و آگاهی به این باور برسند که این عزیزان به واقع محق این تسهیلات هستند، زیرا هر ایرانی آزاده و مسلمان، سربلندی و آرامش خود را مدیون ایثار و جانبازی این سرافرازان است. در این زمینه می‌توان به تحریف‌های خاصی که در طی این سال‌ها انجام گرفته اشاره کرد.

احمدی بر این باور است که «قیام و انقلاب مردم را به علت تلاش آنان برای رفاه یا برعکس، آن را به علت شدت رفاه اکثر مردم قلمداد کردن، نقش محوری و اصولی اسلام انقلابی و رهبری مرجعیت معظم و امام راحل را تحت الشعاع مسائل دیگر قرار دادن یا در جنگ تحمیلی، تلاش برای جنگ‌طلبی و جنگ‌افروز نشان دادن ایران (نکته‌ای که حتی سازمان ملل نیز به آغازگر جنگ بودن عراق اذعان کرد) و یا خدشه‌دار کردن انگیزه‌های پاک و مقدس رزمندگان اسلام و ایثارگران، از جمله‌ی این تحریف‌هاست.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۵۵) و یکی از زمینه‌های اصلی تحریف، میزان و نحوه‌ی ارائه‌ی تسهیلات به این عزیزان است.

یکی از راه‌های شناخت و ایجاد تصویری روشن و ارتقای آگاهی برای همگان، اطلاع‌رسانی جمعی در خصوص ارائه‌ی خدمات در کشورهای درگیر جنگ جهانی دوم است که از لحاظ مذهبی و مکتبی، اعتقادات و باورهای

آنچنان محکمی به جایگاه شهید و شهادت و ایثارگری نداشته‌اند. شایان ذکر است خدمات و تسهیلات ویژه‌ای به ایثارگران دفاع مقدس در کشور ما، ایران اسلامی، ارائه شده و سعی دولت بر این بوده است تا با تمام ظرفیت‌ها در جهت رفاه حال این عزیزان بکوشد، اما به دلایلی، همچون نقص در فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن استحقاق دریافت این خدمات، توفیق مطلوبی حاصل نشده و همین عدم توفیق موجب نوعی گسست میان اقشار ایثارگر و دیگر اقشار در جامعه شده است. بر همین اساس، ابتدا تعریف و جایگاه سرباز جنگی مورد مذاقه قرار گرفت، سپس برخی از مهم‌ترین تسهیلات ارائه‌شده، بیان شد و در نهایت، با تکی چند از این سرفرازان و مسئولان گفت‌وگوهایی انجام گرفت.

در انگلستان جامع‌ترین تعریف برای سرباز جنگی این‌چنین ذکر شده است: «تمام کسانی که بیش از یک روز در خدمت نظامی بودند»، ضمناً افراد تحت تکفل آنان نیز در این مقوله جای می‌گیرند. براساس این تعریف، حدود ۵/۵ میلیون نفر تحت پوشش قرار خواهند گرفت. با توجه به اینکه حدود ۷/۵ میلیون نفر نیز تحت تکفل آنان هستند، در مجموع حدود ۱۳ میلیون نفر، یعنی بیست درصد کل جمعیت انگلستان تحت حمایت بوده‌اند. کشور نیوزیلند نیز به تبعیت از انگلستان، همین تعریف را پذیرفته است.

در آمریکا کسانی جزء این گروه محسوب می‌شوند که حداقل دوره‌ی زمانی خدمت سربازی را سپری کرده و در هنگام خروج از سیستم با وضعیت افتخار خارج شده باشند. برای اینکه فرد واجد شرایط استفاده‌ی رزمندگی باشد، لازم است که با وضعیت افتخارآمیز به خدمت نظامی خود پایان داده باشد؛ فقط زمانی که فرد از سوی دادگاه نظامی واجد سوء رفتار تشخیص داده شود، نمی‌تواند از این تسهیلات بهره‌مند شود (شارع پور، ۱۳۸۶: ۲۲۹).

تسهیلات ارائه‌شده به سربازان جنگی در کانادا

در کانادا نیز وزارت رسیدگی به امور سربازان جنگی وجود دارد. در این کشور برای پرداخت مستمری به افراد از دو عامل استفاده می‌شود:

۱- استحقاق مستمری: میزان استحقاق، به میزان معلولیت ناشی از خدمت نظامی بستگی دارد. این استحقاق به صورت کسر یک‌پنجمی محاسبه می‌شود؛ بدین صورت که از یک‌پنجم شروع می‌شود، یعنی خدمت نظامی حداقل تأثیر را بر معلولیت فرد داشته است تا حالتی که معلولیت فرد کاملاً ناشی از خدمت نظامی است و مستمری او کامل خواهد بود.

۲- ارزیابی معلولیت: یعنی تعیین سطح و میزان معلولیت فرد. این عدد می‌تواند بین صفر تا صد درصد باشد.

میزان مستمری: برای تعیین میزان مستمری، کسر استحقاق را در درصد معلولیت ضرب می‌کنند؛ مثلاً سه‌پنجم ضرب در ۲۵ درصد برابر است با ۱۵ درصد.

اگر این عدد بین یک تا چهار درصد شود، به فرد فقط برای یک‌بار یک پرداخت کامل صورت می‌گیرد، ولی مستمری ماهیانه شامل او نمی‌شود.

ولی اگر این عدد پنج درصد و بیشتر شود، به فرد، همسر و فرزندان او ماهیانه برحسب جدول زیر مستمری پرداخت می‌شود:

درصد	مستمری ماهیانه (دلار)	حق همسر (دلار)	فرزند اول (دلار)	فرزند دوم (دلار)	فرزندان بعدی (دلار)
۵	۱۱۱	۲۸	۱۵	۱۱	۸
۱۰۰	۲۲۲۱	۵۵۵	۲۸۹	۲۱۱	۱۶۷

- خدمات یاری‌رسانی: هدف از این خدمات مشاوره‌ای، این است که به فرد کمک کند تا بر مشکلاتی که بر زندگی شخصی و حرفه‌ای او تأثیر منفی دارند، غلبه کند. برخی از این مشکلات عبارت است از:
 - مشکلات زناشویی و خانوادگی
 - مشکلات ناشی از گذار از زندگی نظامی به زندگی معمولی
 - سوء استفاده از مواد مخدر، الکل و حتی دارو
 - مشکلات مالی: مشکلات مربوط به کار و شغل، مثل تغییرات سازمانی، اضطراب، احساس بی‌انگیزگی، پذیرش مسئولیت جدید، بی‌ثباتی شغلی، تبعیض شغلی و ...

تمام خدمات فوق، رایگان ارائه می‌شود و وزارت، تأمین‌کننده‌ی هزینه‌های آن است. نکته‌ی دیگر اینکه انجام این کمک، خصوصی و محرمانه صورت می‌گیرد. این خدمات، شبانه‌روزی ارائه می‌شود و حتی دارای خط تلفن مشاوره‌ی ۲۴ ساعته است.

مجموع مباحث فوق که فقط بخشی از تسهیلات پیش‌بینی‌شده را شامل می‌شود، به وضوح نشان می‌دهد که جوامع و دولت‌ها در این زمینه، مسئولیت زیادی برای خود متصور هستند. در تمام این تسهیلات، هدف اصلی، تأمین استقلال فرد است و اینکه فرد بتواند بدون اتکا به دیگران، زندگی مستقلی داشته باشد. استقلال در زندگی نیز به سه عامل وابسته است: توان اقتصادی، سلامتی و انسجام اجتماعی. تسهیلات ارائه‌شده به افراد به دنبال تأمین این سه هدف است تا با تحقق آن، فرد بتواند از زندگی مستقلی برخوردار باشد (همان: ۲۳۶).

نحوه‌ی ارائه‌ی تسهیلات در ایران

در کشور ما نیز تأسیس نهادهایی، نظیر بنیاد شهید انقلاب اسلامی و سازمان امور جانبازان به فرمان حضرت امام (ره) و ستاد امور آزادگان و ادغام نهادهای ایثارگری، تشکیلات سازمانی منسجمی را برای حمایت از ایثارگران به وجود آورد. با وجود گذشت بیش از دو دهه از پایان جنگ ایران و عراق، مردم کشور ما نیز خاطرات جنگ با عراق را از ذهن خود پاک نکرده‌اند. بنیاد شهید و جانبازان، امروز از مهم‌ترین سازمان‌های متولی رسیدگی به مسائل ایثارگران و بازماندگان جنگ است که فعالیت‌های زیادی در این خصوص انجام داده است که از چارچوب این مقاله خارج است، اما به برخی از شیوه‌های تکریم و بزرگداشت و تسهیلات ارائه‌شده در خصوص ایثارگران اشاره می‌شود:

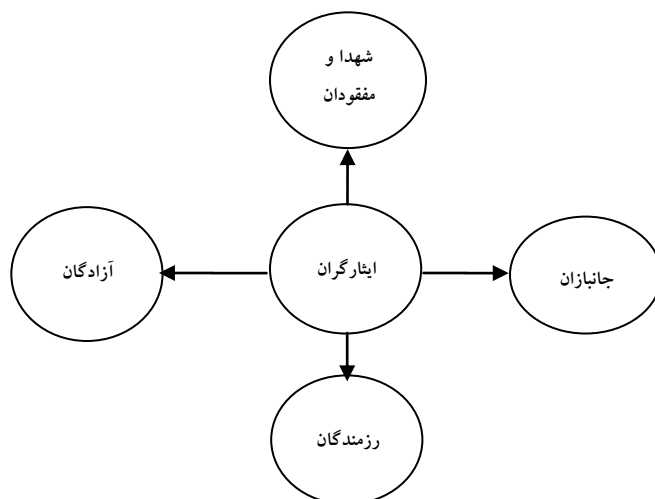
قانون حالت اشتغال

به استناد قانون، جانبازان بالای ۲۵ درصد از کار افتاده‌ی کلی، با تأیید کمیسیون پزشکی براساس نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت برابر با یک فرد شاغل در دستگاه‌های دولتی از حقوق و مزایای مربوطه برخوردار می‌شوند.

- حق پرستاری: همچنین در قانون تنظیم مقررات مالی دولت، حق پرستاری، مشمول آن دسته از جانبازان پنجاه درصد به بالا و اعصاب و روان و شیمیایی حاد می‌شود که برابر تشخیص کمیسیون پزشکی بنیاد لازم است از آنها پرستاری و مراقبت شود. میزان حق پرستاری با توجه به میزان نیاز به مراقبت بر مبنای حداقل حقوق و مزایای کارگری (قانون کار) و ضرایب تعیین‌شده به‌وسیله‌ی سازمان امور جانبازان پرداخت می‌شود.
- واگذاری خودرو: به جانبازان بالای پنجاه درصد برای یک‌بار یک دستگاه خودرو واگذار می‌شود. براساس این قانون، شرکت ایران خودرو موظف شده است سالانه چهارهزار دستگاه خودرو، سهمیه برای جانبازان در نظر بگیرد و تحویل دهد. مطابق اصلاحیه‌ی قانون، چهل درصد تخفیف از قیمت کل و شصت درصد تسهیلات (وام) از منابع بودجه‌ی کشوری به جانبازان تحویل می‌گردد.
- بیمه‌ی عمر و حوادث: به بازماندگان جانبازان متوفی که سن آنها حداکثر هفتاد سال باشد و فوت آنها ناشی از خودکشی نباشد، مبلغ سی میلیون ریال به‌وسیله‌ی شرکت بیمه‌ی ایران پرداخت می‌شود. همچنین به بازماندگان جانبازانی که بر اثر حادثه دچار نقص عضو یا از کار افتادگی کلی شوند، مبلغ سی میلیون ریال و در صورت نقص عضو جزئی ضریبی از مبلغ سی میلیون ریال پرداخت می‌شود و برای جانبازان بالای پنجاه درصد مبلغ غرامت فوت و حادثه پنجاه میلیون ریال می‌باشد.
- کمک معیشت: به جانبازان بالای پنجاه درصد از کار افتادگی کلی مبلغی به عنوان کمک هزینه‌های زندگی و مایحتاج ضروری پرداخت می‌شود.
- بیمه‌ی تکمیلی: همه‌ی جانبازان دارای درصد از کار افتادگی ناشی از جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی و نیز خانواده‌ی جانبازان ۲۵ درصد تحت پوشش بیمه‌ی تکمیلی قرار گرفته‌اند و از مزایای آن بهره‌مند می‌شوند.
- مناسب‌سازی محیط و اماکن عمومی: ارتقای سطح کیفی و کمی خدمات توان‌بخشی، مناسب‌سازی محیط و اماکن عمومی و استفاده‌ی رایگان از آمبولانس برای جانبازان هفتاد درصد قطع نخاعی.
- مسکن جانبازان: در خصوص جانبازان ۲۵ درصد و بالاتر، اعطای تسهیلات بانکی برای خرید یا ساخت مسکن با حداقل کارمزد و اقساط بلندمدت خواهد بود (گزارش بنیاد شهید، ۱۳۷۶).
- آموزش: جانبازان بالای ۲۵ درصد از پرداخت کامل شهریه در دوره‌های شبانه و دوره‌های خاص معاف هستند و همچنین فرزندان جانبازان ۲۵ درصد به بالا که عدم تمکن مالی آنها به تأیید دستگاه‌های ذیربط برسد، از پرداخت شهریه معاف هستند (مجموعه قوانین و آیین نامه آموزشی شاهد، ۱۳۹۰: ۲۴)
- معافیت از خدمت نظام وظیفه: یکی از فرزندان جانباز چهل درصد و بالاتر
- قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی

- تأمین مسکن جانبازان ۲۵ درصد به بالا (گزارش بنیاد شهید، ۱۳۷۶).
- در شکل زیر دسته‌بندی شهدا، مفقودان، ایثارگران، رزمندگان و آزادگان به صورت نمودار نشان داده شده است:

نمودار دسته‌بندی ایثارگران (سایت آموزش و پرورش فارس)



از آنجا که در این پژوهش قصد بر آن بود که دلایل شکاف ایجادشده میان اقشار ایثارگر و غیر ایثارگر بررسی شود، گزارشی از مصاحبه‌ای که با تعدادی از مسئولان و ایثارگران و خانواده‌های آنان انجام شده ارائه می‌شود:

عدم توفیق مطلوب مسئولان و نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در معرفی جایگاه ایثارگران و خانواده‌ی آنان

غیر فروغی در جایگاه یک ایثارگر هفتاد درصد درباره‌ی نحوه‌ی عملکرد نهادها و ده‌های شهدا و ایثارگران انجام شد، ایشان چنین بیان داشتند:

حواسم به مسأله و سعی برای تحصیل، اشتغال، رفاه و ... برای خانواده‌های شهدا و ایثارگر وضع شده است، اما متأسفانه در اجرا با مشکلات و موانعی روبه‌رو شده و اهداف تعیین‌شده به درستی تحقق نیافته است. سعی سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با این عزیزان بر این بوده که با توجه به ظرفیت‌های هر استانی خدمات‌رسانی کنند، اما با توجه به مشکلات اقتصادی پس از جنگ و سال‌های اخیر نتوانستند در انجام این امر موفق شوند (فروغی، ۱۲)

من عبداللهی، رزمنده و رئیس اداره‌ی جمع‌آوری اطلاعات و پژوهش بنیاد شهید استان اصفهان شد و ایشان با صبر و حوصله و با تکیه بر اطلاعات و تجارب زیادی که داشتند این‌گونه پاسخ دادند: قوانین کاملی برای خدمات‌رسانی به این عزیزان وضع شده، اما متأسفانه بعضاً قانون‌گذاران برداشت صحیحی از قوانین وضع‌شده نداشته‌اند و به تبع پیامد آن عملکرد، بازتاب خوبی در جامعه نداشته است. درباره‌ی این بازتاب

از ایشان جويا شديد، وي اظهار داشت: بعضاً در ازاي اين خدمات، ناخواسته شخصيت و هويت اين عزيزان سلب شده است. وي با مثالي اين وضعيت را براي ما ملموس تر کردند و در ادامه بيان داشتند: چند مجموعه کارگاه حمايتي براي تعدادي از جانبازان داي ر شده بود، از جمله ي اين کارگاه‌ها، يک کارگاه حصيربافي بود که تعدادي از ايثارگران عزيز با توجه به وضعيت فيزيکي شان در اين کارگاه‌ها اشتغال يافته بودند و در ازاي فعاليتي که داشتند، درآمد ي دريافت مي کردند. اشتغال ايثارگران، استقلال، شخصيت و احساس مفيد بودن براي اين عزيزان و خانواده‌هايشان به ارمغان داشت. از جايي که ايشان با خانواده ي اين عزيزان در تماس بودند، اظهار داشتند: بعضي از اين عزيزان، جانباز اعصاب و روان بودند و خانواده ي آنها از اينکه چند ساعت در روز اين ايثارگران بيرون از خانه مشغول به کار بودند، رضاي ت داشتند، زيرا کار و فعاليت، آرامش و اعتماد به نفس به آنان داده و حتي حس استقلال و رضاي ت را در همسران و فرزندانشان تقويت مي کرد. در زمينه ي داشتن احساس رضاي ت از اشتغال با چند کارشناس روان شناس بحث و گفت و گو شد، آنان نيز معتقد بودند اشتغال و کسب درآمد در جهت ازدياد اعتماد به نفس و احساس ارزش مندي براي اين افراد لازم است. عبداللهي در ادامه گفت: بيان اين واقعيت تلخ است، اما مشکلات اقتصادي، فرهنگي و اجتماعي اين عزيزان به خوبي در جامعه تشریح نشده است (عبداللهي، ۱۳۹۲).

شکاف بين نسلي و تغيير ارزش هاي اجتماعي به دليل گذر زمان

شکاف بين نسلي که به عنوان اختلاف در نگرش و رفتار جوانان با افراد سالمند تعريف شده است، موضوع بحث و بررسي ديرينه و مشترک جامعه شناسان، روان شناسان اجتماعي، صاحب نظران علوم تربيتي و مردم شناسان فرهنگي بوده است. اين مفهوم نخستين بار پس از جنگ جهاني دوم و به ويژه در دهه ي شصت در جوامع مطرح شد که به نحوي اختلاف فرهنگي ميان فرزندان و والدينشان را تشریح مي کرد. در ايران نيز دهه ي شصت و هفتاد از دوره هاي حساس و پرفراز و نشيب بود، دوره اي که يکي از سه رويداد مهم تاريخ معاصر، يعني انقلاب اسلامي آغاز مي شود و پس از آن جنگ تحميلي به عنوان پديده ي اجتماعي مهم ديگر به وقوع مي پيوند. اين دو پديده ي اجتماعي تغييرات وسيعي در باورهاي نسلي که در آن دوره زندگي مي کرد، به وجود آورد. نسل ديروزي که داراي تجربه ي جنگ و انقلاب بود اکنون در کنار نسلي فاقد اين نوع تجربه زندگي مي کند و اين سبب شده که شکافي در بينش و آگاهي، باورها، تصورات، انتظارات، جهت گيري هاي ارزشي و الگوهاي رفتاري و سبک هاي زندگي اين نسل با نسل جديد به وجود آيد. اينک بحران شکاف نسل ها، مشغله اي از مشغله هاي ذهني انديشمندان اجتماعي شده و بررسي عوامل مؤثر بر شکاف بين دو نسل در جامعه ي کنوني، از جمله مسائل حياتي در اولويت است.

امروزه با ورود وسائل و تکنولوژي هاي جديد به کانون خانواده ها، شاهديم که والدين و فرزندان ساعت هاي متمادي در کنار يکديگر مي نشينند، بدون آنکه حرفي براي گفتن داشته باشند. در وضعيت فعلي، روابط موجود ميان والدين و فرزندان به سرد ي گراييده است و دو نسل به دليل داشتن تفاوت هاي اجتماعي و تجربه هاي زبستي مختلف، زندگي را از ديده گاه خود مي نگرند و آن را مطابق با بينش خود تفسير مي کنند. «نسل ديروز

(والدین) احساس دانایی و باتجربگی می‌کنند و نسل امروز (فرزندان) که خواهان تطابق با پیشرفت‌های روز هستند، در برابر آنها واکنش نشان می‌دهند و چون از پس منطق و نصیحت‌های ریشه‌دار و سرشار از تجربه‌ی آنها بر نمی‌آیند، به مقاومت روی می‌آورند (دانایی، ۱۳۸۴: ۸).

البته این مهم باید در نظر باشد که نسل جدید از زاویه‌ی فطرتشان با شهدا ارتباط می‌گیرند. شاید انقطاع نسلی وجود داشته باشد، اما وقتی از نسل جدید صحبت می‌کنیم بخشی از همین نسل همچنان ارتباطشان با اصول اخلاقی شهدا برقرار است و اگر درصدهای کمی، در مقابل آن منقطعین در اقلیت‌اند (رشید، ۱۳۹۲).

با توجه به آنچه گفته شد جامعه‌ی ایران که در مرحله‌ی گذار تاریخی - اجتماعی قرار دارد، برای شکاف میان اقشار آن زمینه‌ی بیشتری وجود دارد و این وضعیت زمینه‌ساز بروز مشکلات و بحران‌های جبران‌ناپذیری می‌شود. با توجه به این شرایط، اگر ایثار و شهادت به یک فرهنگ بقایافته تبدیل نشود، حیات انقلاب رو به تهدید است و این‌گونه تلاش‌های پرمغز و معنای ایثارگران و شهیدان کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود.

طی مصاحبه‌ای که با اصغر فروغی درباره‌ی گذر زمان انجام شد، ایشان معتقد بودند با فاصله گرفتن از دوران جنگ و گذر زمان روحیات مردم نیز متفاوت شده است. وی اذعان داشت در هر زمان با توجه به مقتضیات و شرایط، برخی از ارزش‌ها برجسته‌تر است و در زمانی دیگر، همان ارزش‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود. وی بیان داشت دغدغه‌های اصلی جامعه‌ی اکنون تغییر کرده است و در این‌باره غفلت‌هایی صورت گرفته و در نتیجه، دیدگاه‌ها و عملکردها نیز تغییر کرده است و در نهایت، به نوعی بدبینی درون جامعه منجر شده است (فروغی، ۱۳۹۲).

در ادامه از ایشان سؤال شد: منظور از بدبینی چیست؟ وی چنین گفت: بعضی از مردم به اشتباه فکر می‌کنند اگر تسهیلاتی به ایثارگران ارائه می‌شود، در مقابل، حقوق آنان ضایع شده و حقی از آنها سلب شده و در مقابل به ایثارگران و خانواده‌ی شهدا پرداخت شده است و با بدبینی و برداشت غلط، خانواده‌ی این عزیزان مورد اتهام قرار می‌گیرند (همان).

درباره‌ی همین موضوع با یکی از فرزندان ایثارگر گفت‌وگو کردیم. وی فقط با یک مثال ساده پاسخی نغز و پرمعنا در زمینه‌ی توجه به مسائل ایثارگران ارائه کرد. ایشان گفتند: اگر فردی از افراد این جامعه بر اثر سانحه‌ی تصادف دچار آسیبی شود، همه‌ی افراد متفق‌القول‌اند که بیمه باید به طور کامل هزینه‌های نقصان وی را بپردازد. اما آن وقت که سخن از ایثارگر به میان می‌آید بعضی از افراد ابرو درهم می‌کشند و اظهار می‌کنند: کاستی‌های ما به خاطر ارائه‌ی بیش از حد تسهیلات به آنهاست، اما چگونه شرح دهیم که ما حتی به حق قانونی خودمان هم نرسیده‌ایم (س. ک، ۱۳۹۲).

مناعت طبع و بزرگ‌منشی ایثارگران و خودداری از معرفی خود

بزرگواری و مناعت طبع بعضی از ایثارگران و خانواده‌هایشان باعث شده بسیاری از مشکلات آنها، برای همیشه سر به مهر باقی بماند. بعضی از این عزیزان حاضر نیستند در هیچ دفتری نامی از آنها ثبت شود و در هیچ مکانی ذکری از ایثار آنها برده شود، زیرا معتقدند تنها با خدایشان معامله کرده‌اند. این عزیزان هیچ‌گاه مشکلاتشان را بیان نمی‌کنند و همین سکوت منجر به پنهان ماندن زوایای افتخارآمیزی از فداکاری‌های ایشان و عدم شناخت

جنبه‌های مهمی از پدیده‌ی ایثار به‌وسیله‌ی سایرین شده است. متأسفانه تعداد کمی از این عزیزان نیز هستند که از وضعیت و جایگاهشان سوء استفاده‌هایی کرده و با کمک رابطه و ضابطه امتیازهای چشم‌گیری کسب کرده‌اند، اما قطعاً حضور این تعداد کم نمی‌تواند خللی به جایگاه سایر این عزیزان وارد آورد، زیرا در صدر اسلام نیز کسانی بوده‌اند که تنها هدفشان از جهاد، کسب غنائم بوده است.

بزرگ‌نمایی و مانور تبلیغاتی در خصوص ارائه‌ی مزایا و تسهیلات

با توجه به قوانین کاملی که در خصوص ارائه‌ی تسهیلات برای ایثارگران و خانواده‌های شهدا در نظر گرفته شده است، به دلایلی چند که فرصت بیان آن در این مقاله نیست، برخی از نیازهای مادی و معنوی آنها تأمین نشده است. در عین عدم تأمین نیازهای طبیعی و ضروری بسیاری از خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران به‌وسیله‌ی بنیادها و سازمان‌های مرتبط و عدم تکریم و ارزش‌گذاری مناسب آنها، با اکتفا به تشکیلات و سازمان‌های عریض و طویل دولتی و حرکت‌های موازی یا متقاطع برای رسیدگی به وضعیت زندگی و معاش آنها، عدم شفاف‌سازی تسهیلات و بزرگ‌نمایی آنها در جامعه، قضیه را تلخ‌تر و اسفبارتر کرده و از مشکلات اصلی خانواده‌های معظم شهدا و ایثارگران است. به راستی چه چیزی می‌تواند در مقابل شهادت به شهید یا خانواده‌ی او پرداخت شود تا در مقابل عظمت و ارزش شهادت یا در مقابل خسارتی که پدر و مادر یا همسر و فرزندان او از شهادت و فقدان جگرگوشه و تکیه‌گاه خود می‌بینند، سنگینی کند؟ همچنان که هیچ برتری‌ای بالاتر از شهادت نیست، هیچ امتیازی نیز هم‌سنگ شهادت نخواهد بود و همچنان که هیچ عملی برتر از رسیدگی به خانواده‌ی شهدا نیست، هیچ مابه‌ازای خارجی نیز نمی‌تواند ذره‌ای از مصائب و دل‌تنگی‌ها و گریه‌ها و خون دل‌های آنها را جبران کند. هیچ خدمتی نمی‌تواند جایگزین مهر همسری و مهر پدری برای این عزیزان باشد، پس هر تکریمی نسبت به این عزیزان ناچیز و کوچک است.

درباره‌ی این موضوع گفت‌وگویی با یکی از مسئولان که ارتباط نزدیکی با فرزندان ایثارگر و شاهد دارد، انجام داده‌ایم. وی بیان کرد که عملکرد سازمان آموزش عالی به عنوان یک سازمان مهم و تأثیرگذار، در شفاف‌سازی دیدگاه‌های موجود در میان اقشار جامعه نقش بسزایی دارد. از آنجا که ایشان طی سال‌های متمادی با این عزیزان در ارتباط است اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار داد. وی اعتقاد داشت مردم ناآگاهانه درباره‌ی این عزیزان قضاوت می‌کنند و با توجه به این قضاوت‌های ناصحیح، غالب فرزندان شاهد و ایثارگر ترجیح می‌دهند هویت آنان آشکار نشود تا انگشت اتهام به سوی آنها نباشد. به نظر ایشان، بعضی از اقشار جامعه حتی از طبقه‌ی تحصیل‌کرده و روشن‌فکر، غالباً از سر ناآگاهی تصور می‌کنند تمامی فرزندان ایثارگر حق استفاده از سهمیه‌ی شاهد و ایثارگر را دارند، در صورتی که براساس آیین‌نامه، سهمیه‌ی شاهد صرفاً به فرزندان و همسران شهدا یا جانبازان بالای پنجاه درصد اختصاص دارد که البته تنها پنج درصد بوده و مازاد بر ظرفیت دانشگاه است و حتی از هیچ شرکت‌کننده‌ای در آزمون دانشگاه ضایع نمی‌شود؛ اما غالباً بدون توجه به موارد ذکرشده فرزندان ایثارگری که حتی از هیچ‌گونه امتیازی استفاده نکرده‌اند مورد قضاوت‌های ناصحیح قرار می‌دهند. این مسئول محترم که مایل نبودند نامشان ذکر شود، اظهار کردند: قریب به نیمی از فرزندان شاهد و ایثارگر مایل به تشکیل

پرونده نیستند، زیرا نمی‌خواهند در معرض نگاه‌های معنادار دوستان و حتی استادان خود قرار گیرند. وی در ادامه اظهار داشت: وعده‌های شیرینی که در ابتدای هر سال تحصیلی در همایش دانشجویان جدیدالورود به آنها داده می‌شود و چند سالی هم هست که این وعده‌ها تحقق نیافته است، ریشه و اساس بدبینی و شکاف شده است (ا، ۱۳۹۲).

با تعدادی از فرزندان شاهد و ایثارگر نیز درباره‌ی گسستی که میان این عزیزان و دیگر اقشار جامعه ایجاد شده است، گفت‌وگو کردیم، یکی از این عزیزان اظهار داشت قبل از تولد، پدرش به درجه‌ی شهادت نائل شده است و در ادامه از ما پرسید: چه چیز می‌تواند جایگزین سایه‌ی مستحکم و مهر پدری برای او و مهر همسری برای مادرش باشد؟ وی بغض داشت، فریاد داشت، اما همچنان صبوری می‌کرد و فقط خواهان حفظ نام پدرش و سایر شهدا بود، او نگاه همراه با ترحم نمی‌خواست، بلکه می‌خواست جایگاه پدرش و امثال وی مورد احترام باشد و سربلند بماند. حال سؤال مهم این است که: آحاد جامعه و اقشار غیر ایثارگر تا چه میزان به ادراک عمق این واقعه‌ی سخت، اما افتخارآمیز نائل آمده‌اند و سازمان‌های متولی تا چه حد در ایجاد و نهادینه‌سازی نگرش صحیح به صدمات و آسیب‌هایی که به ایثارگران و خانواده‌های آنان که با عزت نفس و مناعت طبع بغض خود را در گلو فرو می‌برند و به سنگر سکوت پناه می‌برند، توفیق یافته‌اند؟

یکی از فرزندان آزاده نیز اظهار داشت، گسست ایجادشده در میان اقشار تحصیل‌کرده ملموس‌تر است تا در میان عامه‌ی مردم، وی اظهار داشت: هنوز هم پدربزرگ و مادربزرگم در جایگاه پدر و مادر آزاده در محل زندگی‌مان مورد احترام اهالی محل هستند، اما جایگاه من در میان اقشار تحصیل‌کرده به عنوان فرزند آزاده‌ای که پدرم هشت سال از بهترین سال‌های زندگی خود را در اسارت گذرانده است، کجاست؟ اکنون به عنوان فرزند آزاده‌ای درگیر مشکلی در ارتباط با تحصیل و دانشگاهم هستم، از مدیر گروه تحصیلی خود خواستار همکاری شدم. در پاسخ به من گفته شد: پدرت اسیر بوده که بوده! آیا در پاسخ به این آقا نباید گفت: اگر سال‌هایی که پدر من در اسارت سپری کرد به تحصیل اشتغال داشت، اکنون پدر من در جایگاه شما بود (م، ص، ۱۳۹۲).

رسول رضایی‌نسب، جانباز هفتاد درصد دفاع مقدس چنین می‌گوید: هیچ‌گاه از کرده‌ی خود پشیمان نیستم، چرا که من و سایر هم‌زمانم شاهدان زنده‌ای هستیم که نیاز به اثبات حقانیت نداریم، ما قطعاً در حافظه‌ی تاریخی ملت ثبت می‌شویم. وی با صداقتی که در کلام داشت، بیان داشت: برای پر کردن شکافی که در حال عمیق شدن است باید از خودمان شروع کنیم، گریز از خود، احساس سرخوردگی می‌آورد، من و سایر دوستان هم‌زمانم باید به خود و عملکردمان افتخار کنیم، ما به حمایت همین ملت چشم‌ها داده‌ایم، دست‌ها و پاها داده‌ایم و انکار ایثارگری نمی‌کنیم. ما موظف و محق برای حفظ ارزش‌هایمان هستیم. امتیاز در شأن ما نیست. قدرشناسی‌ها برای رفع تکلیف نباشد، ترحم نباشد، روغن ریخته را نذر امام‌زاده نکنند. همسر وی در ادامه بیان داشت: زمانی کودک خردسالی از مادرش پرسید: پاهای این آقا چه شده است؟ مادر پاسخ داد: عزیزم ایشان پاهایشان را داده‌اند تا من و تو در آرامش زندگی کنیم. پاسخ مادر به سؤال فرزندش، آرامشی به ما داد که قابل وصف نبود (رضایی‌نسب و همسرش، ۱۳۹۲).

به واقع، مردم ایران از شریف‌ترین مردمی هستند که تاریخ به خود دیده است، پس بیایید دوباره صراط مستقیم را بیابیم و همان‌گونه که زمان جنگ، هموطنان جنگ‌زده را در خانه و کاشانه، در غذا و لباس و ... شریک خود می‌کردیم و اندوخته‌هایمان، گوشواره‌ها و النگوهای مادران و نوجوانان را برای کمک به میدان‌های جنگ ارسال می‌کردیم، اکنون نیز خالصانه در حفظ آن پاک‌ترین آرمان‌ها بکوشیم.

هجوم رسانه‌های غربی و شبیخون فرهنگی

هنر، زبان پنهان آدمی است که بر لوح، نقش می‌بندد و بسیار گویا و تواناست، زیرا ممکن است هر کس به فراخور ذهن خود آن را تعبیر و تفسیر کند، اما این بیان پنهانی ممکن است از تعبیر مبتذل و تحریف‌شده استخراج شود؛ در این صورت، هنر زیان‌آور و آسیب‌رسان خواهد شد، به‌خصوص اگر اهداف اولیه‌ی آن نیز آزاردهنده باشد. به بیان دیگر، هنر همان‌گونه که روح‌بخش و شادی‌آور است، می‌تواند فریبنده و نفرت‌انگیز هم بشود (بنی‌فاطمه، حقیقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۶ - ۷۷).

امروزه بر اساس اصل رقابت بین نهادها، رسانه‌ها ارتباط تنگاتنگی با نظام‌های آموزش و خانواده دارند. رسانه می‌تواند موجبات سعادت یا گمراهی نسل آینده را فراهم آورد. گسترش روزافزون ماهواره‌ها، گسترش بی‌بندوباری و به وجود آمدن فساد فراگیر در جامعه، همه نشان از هدف‌مند بودن این تهاجم از طرف دشمن دارد. در سال‌های اولیه‌ی انقلاب فیلم‌هایی، مانند اسپاروخان، با امپراتور و ... ساخته و پرداخته و با زیرنویس فارسی روانه‌ی ایران می‌شد. در این فیلم‌ها، قهرمانان و اسطوره‌ها کسانی بودند که تا سرحد مرگ به فرمانده و امپراتور خود وفادار بودند و به عشق آنان جان می‌باختند. نمایش چنین فیلم‌هایی در دهه‌ی اول انقلاب، در ظاهر ستایش و وفاداری به رهبری را به همراه داشت، اما در باطن هیچ خبری از وفاداری نبود، بلکه صاحبان تصویر در پی آموزه‌های همانندسازی برای آینده‌ی نزدیک تماشاگران بودند. در دهه‌ی دوم انقلاب اسلامی ایران نیز ما شاهد ساخت فیلم‌ها، موسیقی‌ها و تصاویری بودیم که وفاداری نسبت به فرماندهی و رهبری در آن کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر شده و حس بی‌تفاوتی مبهم نسبت به ارزش‌ها در سطحی وسیع جامعه را فرا گرفته بود (همان). جامعه‌شناسان معتقدند که اساس هر جامعه ریشه در ارزش‌ها و نظام عقیدتی آن جامعه دارد. بنابراین، برای تضعیف هر جامعه کافی است تا فرهنگ آن را تضعیف و تسخیر کرد، با این کار افراد جامعه از خود بیگانه می‌شوند و برخلاف آنچه که حقیقت فرهنگی آنها را تشکیل می‌دهد، رفتار می‌کنند. دشمنان برای حملات فرهنگی به ابزارها و وسایل کارآمد نیاز دارند و لازمه‌ی تهاجم فرهنگی نیز همین ابزارهاست. استعمارگران برای آنکه سرنوشت ملتی را به دست بگیرند و از منابع عظیم مادی و معنوی آنان به نفع خویش بهره‌برداری کنند، در گام نخست تلاش می‌کنند تا موانع فرهنگی را که جدی‌ترین موانع بر سر راه آنهاست، از سر راه خویش بردارند. بدین منظور، از ابزار و شیوه‌های گوناگون، به‌ویژه برنامه‌های به ظاهر جذاب ماهواره‌ای، فرهنگ بومی را تضعیف و با القای ابتذال، فرهنگ خویش را ترویج می‌کنند. بدین ترتیب، مردم کشورهای مورد تهاجم از فرهنگ خویش فاصله می‌گیرند و با آن بیگانه می‌شوند. دشمنی که از طریق جنگ سخت، یکبار با تمام قوا وطن، شرافت و

آزادگی ایرانیان را مورد تهاجم قرار داد، اکنون نرم، خاموش و به روشی دلفریب به جنگ ارزش‌ها و باورها آمده تا آرام و بی‌صدا هویت اسلامی - ایرانی ما را غصب و در میان افراد جامعه، خصوصاً جوانان، شکافی ایجاد کند و به خیال خود با جنگ نرم ما را در سرایشی سقوط قرار دهد. با توجه به اهمیت مسئله، بر هر سازمان، مسئول و فردی لازم است که با تقویت ارزش‌ها و باورهای دینی و اعتقادی، راه را بر این توطئه سد کند و خویشتن را در برابر هجوم بیگانگان ایمن سازد.

نتیجه

شهادت و ایثارگری، از جمله ارزش‌های اخلاقی و معنوی پذیرفته‌شده در همه‌ی جوامع، ادیان و ملت‌هاست. از آنجا که این ارزش‌ها ریشه‌های عمیقی در فطرت معنوی و معرفتی انسان دارد، مستلزم عنایت همه‌جانبه‌ی مسئولان، مردم و حتی خود ایثارگران است. این قشر و بازماندگان آنها در همه‌ی دوره‌های پس از انقلاب و جنگ با فداکاری و از خودگذشتگی، از بهترین سرمایه‌های به امانت نهفته‌ی خداوند در نزد خویش گذشت کرده، جان خود را در طبق اخلاص نهاده و آن را ره‌توشه‌ی اعتلا و پیشرفت نظام اسلامی و میهن کرده‌اند و بی‌ادعا و با عزت نفس، در برابر نگاه‌های تردیدآمیز، کنایه‌ها، زخم زبان‌ها و ادراکات غلط افرادی که بیشتر از ناآگاهی و بعضاً مغرضانه ناشی می‌شود، صبوری پیشه کرده‌اند. شهادت‌طلبی میثاقی است که شهید با جامعه دارد. برای احیای جامعه، منطق شهید، منطق حماسه‌آفرینی و دورنگری و آینده‌نگری است. آیا در آن منطق جایی از گسست در نظر گرفته شده یا فقط و فقط انسجام و اتحاد قرار دارد؟ شهید برای انجام اصلاحات شایسته و بایسته از خود می‌گذرد، مرگ هنرمندانه و ارزش‌مند را انتخاب می‌کند و در مسیر حرکت تاریخی انبیا و صالحان گام برمی‌دارد تا به درجه‌ی تکامل و جاودانگی برسد و در ذهن و عمل افراد جامعه برای همیشه باقی بماند. پس بر هر ایرانی واجب است که دنباله‌رو راه این عزیزان باشد. نسل جوان ما باید بداند خرازی‌ها، باکری‌ها، همت‌ها، دوران‌ها، بابایی‌ها و ... که بودند و چه کردند. در این مسیر مراقبت در زمینه‌ی وسوسه‌های نفسانی، هجوم رسانه‌های غربی و شیخون فرهنگی، شکاف نسل‌ها، افراط در ایجاد دیدگاه‌های ماورایی و آرمان‌گرایانه و ... ضرورت تام دارد. بنابراین، دفع این خطرات، عزمی ملی همراه با راهکارهایی دقیق می‌طلبد. بنابراین، سیاست‌گذاری مناسب و پیش‌بینی برنامه‌های ترغیب‌کننده برای عمل به ارزش‌های مکتبی و ملی بر مدیران و مسئولان واجب است. اطلاع‌رسانی صحیح و دقیق نهادهای مرتبط با ایثارگران درباره‌ی وضعیت و ارائه‌ی خدمات به آنان، ایجاد تعاملات متناسب، گسترده و دیدارهای صمیمانه‌ی ایثارگران و غیر ایثارگران، مقابله با تحریف‌ها، ساخت فیلم‌هایی با موضوعاتی متناسب با تعلیم و تربیت اسلامی، گسترش شناخت معارف الهی و تنومند ساختن باورهای اصیل دینی در جامعه و در بین جوانان از ضروریات فعلی جامعه است که عزم و توجه جدی می‌طلبد.

منابع

- قرآن مجید.

- احمدی، فریبا (۱۳۸۷). عوامل و موانع رشد و توسعه‌ی ارزش‌های منبعث از فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.

- بنیاد شهید (۱۳۹۰). مجموعه قوانین و مقررات و آیین نامه های آموزشی و رفاهی دانشجویان، طلاب و نخبگان شاهد و ایثارگر.

- بنی فاطمه، سعید، حسین حقیقی و همکاران (۱۳۸۷). هویت‌شناسی دفاع مقدس، قم: انتشارات رازیان.

- دانایی، نسرین (۱۳۸۴). «تفاوت نسل دیروز و نسل امروز»، در روزنامه‌ی همشهری، شماره‌ی ۳۷۳۲.

- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). توهم اجتماعی در تجلیل از ایثارگران جنگ (مجموعه مقالات آسیب‌شناسی ایثار و شهادت)، بابلسر، مهرماه.

- کمری، علیرضا (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی پژوهش دفاع مقدس»، در مجله‌ی دفاع مقدس و راهبردهای پژوهش، شماره‌ی اول.

- گزارش عملکرد دفتر تحقیق و پژوهش معاونت پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید انقلاب اسلامی، (۱۳۷۶).

سایت‌ها

- رشید، محسن (۱۳۹۲). «ما مقصریم»، سایت جماران، ۱۳۹۲/۱۰/۲۶، کدخبر ۳۶۴۹۹.

- سایت آموزش و پرورش استان فارس.

مصاحبه‌ها

۱. ا. (مدیر کل ستاد شاهد دانشگاه اصفهان)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: ستاد شاهد، ۹۲/۱۰/۳۰، ساعت ۱۲ ظهر.

ب. ح (فرزند آزاده)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: دانشگاه اصفهان، ۹۲/۱۰/۲۹، ساعت ۱۰ صبح.

- رضایی‌نسب. رسول (جانباز ۷۰ درصد و همسرش)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: منزل شخصی، ۹۲/۱۰/۲۹، ساعت ۸ شب.

س. ک (فرزند شاهد)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: دانشگاه اصفهان، ۹۲/۱۰/۲۹، ساعت ۹ صبح.

- عبداللهی، حسن (رزمنده و رئیس اداره‌ی پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: مرکز بنیاد شهید استان اصفهان، ۱۳۹۲/۱۱/۱، ساعت ۱۰ صبح.

- فروغی، اصغر (جانباز ۷۰ درصد و استادیار دانشگاه اصفهان)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اصفهان، ۹۲/۱۰/۳۰، ساعت ۱۰ صبح.

م. ص (فرزند ایثارگر)، مصاحبه‌کننده: نگارنده، مکان: دانشگاه اصفهان، ۹۲/۱۰/۲۸، ساعت ۹ صبح.